

ابعاد انتظار شناسی 3

کسی که تمامی راه را دیده و مانع‌ها را شناخته است، این وجود واقف منتظر است و از دیدن حوادث و گرفتاری‌ها نمی‌لرزد؛ زیرا از پیش آماده شده و به انتظار نشسته است...



شهادت و دیدن تمام راه :

کسی که تمامی راه را دیده و مانع‌ها را شناخته است، این وجود واقف منتظر است و از دیدن حوادث و گرفتاری‌ها نمی‌لرزد؛ زیرا از پیش آماده شده و به انتظار نشسته است .
آنهایی می‌لرزد که با رویاها و توقع‌های بی حساب، راه افتاده‌اند و خیال می‌کنند تا به راه افتادی، تمام دشمن‌ها برایت نقل و نبات می‌آورند .

عدل و احسان :

مسأله ی دیگری که مسلمان منتظر، باید به آن اهمیت بسیار بدهد، و در تحقق و گسترش آن بکوشد، عدل و احسان است. یکی از شعارهای سرلوحه ای، در قرآن کریم، این شعار سترگ است:
(إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ).

خداوند به اقامه ی عدل و اشاعه ی احسان امر می کند.

سخن از عدالت و دادگری، در اسلام و قرآن، اصلی است بنیادی و همه گیر، که نیازی به توضیح ندارد. اهمیت این اصل تا آنجاست که در بسیاری از احکام فقهی و عبادی نیز، به گونه ای، به لزوم عدالت بر می خوریم، از جمله در نماز جماعت، که می گویند، پیشنهاد باید عادل باشد، و این عدالت که در پیشنهاد شرط است نیز، به نوعی، ترك ظلم است نسبت به نفس، و نسبت به غیر.

این است که منتظران ظهور دولت حق، و حکومت عدل، که دینشان اسلام است، و کتابشان قرآن، و نخستین امامشان علی بن ابی طالب است (یعنی تجسم اعلاى عدالت و دادگری)، و خود در انتظار تحقق حکومت عدل جهانی به سر می برند، باید پیوسته، نمونه ی این عدل و عدل طلبی باشند، و این چگونگی را نشان دهند، و جامعه ی خویش را از احسان سرشار سازند. باید جامعه ی آنان، نمونه ی آن عدل و دادی باشد که از آن دم می زنند، و منتظر ظهور ابعاد کلی و جهانگیر آند.

می شود جامعه ای خود را منتظر حکومت عدل جهانی بداند، و خود، در محیط خود، در روابط خود، در معاملات و حقوق و قوانین خود، عدالت را عملی نسازد، و رعایت نکند، و به عدل و داد نگراید، و از عدل و داد طرفداری نکند، و در راه آن به پا نخیزد، و نشانی از بسط و عدل و احسان در آن جامعه نباشد؟ این امر چگونه می تواند بود؟ و اگر باشد، صدق اینگونه مردمی در انتظار، از کجا نمودار خواهد گشت؟.

فضیلت انتظار :

در روایات وارد شده از ائمه معصومین(ع)، آنچنان مقام و منزلتی برای منتظران موعود آخرالزمان برشمرده شده که گاه انسان را به تعجب وامی‌دارد که چگونه ممکن است عملی که شاید در ظاهر ساده جلوه کند از این چنین فضیلتی برخوردار باشد. البته توجه به فلسفه انتظار و وظایفی که برای منتظران واقعی آن حضرت بر شمرده شده، سر این فضیلت را روشن می‌سازد. در اینجا به پاره‌ای از فضائلی که برای منتظران قدوم مصلح جهانی حضرت بقیةالله‌الاعظم بر شمرده شده اشاره می‌کنیم:
1- مرحوم صدوق در کتاب «کمال‌الدین» از امام صادق(ع) ، روایت کرده که آن حضرت به نقل از پدران بزرگوارشان، - که بر آنها درود باد - فرمود:

«المنتظر لامرنا کالمتشطح بدمه فی سبیل‌الله»

«منتظر امر (حکومت) ما، بسان آن است که در راه خدا به خون خود غلتیده باشد»

2- در همان کتاب به نقل از امام صادق(ع) ، روایت دیگری به این شرح در فضیلت منتظران وارد شده
«طوبی لشیعة قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبه و المطیعین له فی ظهوره اولئک اولیاءالله‌الذین لاخوف علیهم و لا هم یحزنون»

«خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبتش منتظر ظهور او هستند و در هنگام ظهورش فرمانبردار از او، آنان اولیاء خدا هستند ، همانها که نه ترسی برایشان هست و نه اندوهگین شوند».

3- مرحوم مجلسی در کتاب «بحارالانوار» به سند خود از امیرالمؤمنین(ع) ، نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

«انتظروالفرج و لاتیاسوا من روح‌الله فان احب الاعمال الی‌الله عزوجل انتظارالفرج»

«منتظر فرج باشید و از رحمت‌خداوند ناامید نشوید. بدرستی که خوشایندترین اعمال نزد خداوند عزوجل، انتظار فرج است».

4- همچنین مرحوم مجلسی روایت دیگری را به سند خود از فیض بن مختار نقل می‌کند که در آن امام صادق(ع) می‌فرماید:
«من مات منکم و هو منتظر لهذا الامر کمن هو مع القائم فی فسطاطه ، قال: ثم مکث هنیئة ، ثم قال: لا بل کم قارع معه بسیفه، ثم قال: لا والله کمن استشهد مع رسول‌الله(ص)»

«هر کس از شما بمیرد در حالیکه منتظر این امر باشد همانند کسی است که با حضرت قائم(ع) در خیمه‌اش بوده باشد. سپس حضرت چند لحظه‌ای درنگ کرده ، آنگاه فرمود: نه ، بلکه مانند کسی است که در خدمت آن حضرت شمشیر بزند، سپس فرمود: نه، بخدا همچون کسی است که در رکاب رسول خدا(ص)، شهید شده باشد.»

قائم و قیام :

این قیام به هنگام شنیدن نام قائم یعنی آمادگی داشتن در هر آن، برای قیام و مبارزه و جهاد در راه تحکیم عدالت جهانی در رکاب حجت خدا. شیعه ی منتظر در عصر غیبت باید همواره دارای چنین هدفی باشد.

وجوب انتظار:

ابو بصیر خدمت امام باقر - علیه السلام - می رسد و عرض می کند: ای فرزند رسول خدا! آیا می پذیرید که من دوست و تنها متوجه و گردن نهاده بر ولایت شمایم؟ امام - علیه السلام - فرمود: آری! عرض نمود:

پس اینک پرسشی دارم که جواب دهید، زیرا من ناپینایم و کمتر راه می روم؛ و نمی توانم هر زمان خدمت شما برسم. امام - علیه السلام - فرمودند: خواهش خود را عرضه دار! گفت:

مرا از آن دین که خود و خاندانت بدان پایبندید، آگاه ساز تا من نیز بدان گردن نهم. امام - علیه السلام - فرمود: اگر چه به کوتاهی سخن گفتی، لیکن سؤالی بس بزرگ نمودی؛ بخدا سوگند! دین خود و پدرانم را بر تو عرضه می کنم و آن گواهی به یگانگی خداوند و رسالت محمد و اقرار بر آنچه او از جانب پروردگار آورده و دوستی با آنان که دوست مایند و بیزاری از هر که دشمن ماست و تسلیم بودن بر فرمان ما و انتظار کشیدن قائم ما و کوشش نمودن (در راه اطاعت خداوند) و پرهیز از آنچه او نمی پسندد.

این نکته ای بسیار شگرف است که انتظار دوشادوش توحید و نبوت از اصول مهم دین محمدی است. و آن حکایت از چیزی فراتر از وجوب دارد.

برگرفته از : شبکه جهانی اطلاع رسانی امام مهدی (عج)